

## شناسایی مفهوم پناهندگی به دانش آموزان امروز

چطور می‌شود دانش‌آموزان را با مفهوم «پناهنده‌شدن» به یک کشور و مشکلاتی که پناهندگان در جامعه جدید خود با آن روبه‌رو می‌شوند، آگاه کرد؟ چطور می‌شود شرایطی را فراهم کرد که دانش‌آموزان با چهرانی که تعداد زیادی از مردم جهان را از خانه و کاشانه خود رانده، آشنا شوند و نتج‌ها و مشکلات این گروه را در کلاس؟ شبکهٔ معلم‌ان روزنامه گاردین به مناسبت «هفته پناهندگان» در بریتانیا در مقاله‌ای کوتاه مجموعه فعالیت‌ها و بازی‌هایی را برای اجرا در کلاس درس پیشنهاد داده که از طریق آنها می‌توان دانش‌آموزان را با موضوع پناهندگی و پناهجویی آشنا کرد و فضایی مساعد برای دانش‌آموزانی فراهم آورد که بعنوان پناهنده در جامعه زندگی می‌کنند.

سازمان ملل متحد تابستان سال گذشته اعلام کرد که شمار پناهندگانی که به دلایلی چون جنگ و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی مجبور به ترک خود شده‌اند برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم از مرز ۵ میلیون نفر گذشته است. ایران طی ۳۰سال گذشته مقصد اصلی مهاجرانی از افغانستان بوده که به دلیل جنگ‌های پیاپی مجبور به ترک کشورشان شده‌اند و در حال حاضر به لحاظ تعداد پناهندگان در صدر کشورهای پذیرای پناهندگان دردنیاست.

**ایده‌هایی برای دبستانی‌ها**

در این مقاله بیش از هر چیز به گفت‌وگو درباره موضوع اشاره و خطاب به آموزگاران و معلم‌ان نوشته شده، ببینید بچه‌ها درباره پناهنده‌ها چه می‌دانند و چه نگاهی به این گروه دارند؟ از بچه‌ها بخواهید از تجربه‌های شخصی‌شان در مواجهه با پناهندگان و مهاجران یاز دیدها و شنیده‌های‌شان درباره مهاجرت یا ترک محل زندگی بگویند. از آنها بخواهید خود را به جای یک پناهنده بگذارند و تصور کنند که یک پناهنده در جامعه تازه چه ترس‌ها و امیدهایی دارد.این ۲ موضوع را به بچه‌ها بدهید: «زندگی در سایهٔ ترس» و «ایقتن سرنیامه و امنیت» و از بچه‌ها بخواهید درباره هر کدام یک نقاشی بکشند. باز نقاشی‌ها را روی تخته کلاس جیب‌بندید و درباره تفاوت‌های تصویری ۲ دسته گفت‌وگو کنید.از بچه‌ها بخواهید آنچه از احساس و دیدت ترسیم کرده‌اند، توضیح دهندوباره آن‌ها دیدگریسوال پرسند.

**ایده‌ها و سوالات برای نوجوان‌ها**

نویسنده مقاله برای گفت‌وگو با دانش‌آموزانی از مقاطع بالاتر سؤوال‌هایی را به آموزگاران معرفی می‌کند که پیچیده‌تر هستند. در بخشی از مقاله آمده: از بچه‌ها بخواهید به ۲ سؤال فکر کنید و بعد جواب‌های‌شان را با هم به اشتراک بگذارند.

اول این که احساس ناامنی در خانه و شهر چه جور احساسی است؟ دوم این که اگر قرار باشد شهر و دیار خود را ترک کنید، چه چیزهایی را با خودتان می‌برید؟ یک گفت‌وگوی کلاسی درباره این ۲ سوال ترتیب دهید و در خلال آن اطلاعات مهم درباره موضوع را به بچه‌ها ارایه دهید. یان این که آنها را به پرسش‌هایی تا ۵ نفره تقسیم کنید و از آنها بخواهید دلایل مهاجرت پناهندگان را فهرست کنند. از آنها پرسید می‌توانند تفاوت‌ها و شباهت‌های «پناهندگی» در دنیای امروز را با گذشته پیدا کنند؟ یا به نظر این جامعه بین‌المللس در وقتا گذشته و فقر، جنگ‌های قومی و مذهبی و درگیری‌هایی که ریشه بحران آوارشدن گروهی از مردم دنیاست چه باید بکند؟ از این سوال‌هایاری خلق نوشته‌ها یا آثار هنری مرتبط با موضوع استفاده کنید.

جنگ‌های قومی و مذهبی و درگیری‌هایی که ریشه بحران آوارشدن گروهی از مردم دنیاست چه باید بکند؟ از این سوال‌هایاری خلق نوشته‌ها یا آثار هنری مرتبط با موضوع استفاده کنید.

یک منبع خوب برای انجام فعالیت‌های کلاسی مجموعه‌های تصویری حاوی بیش از ۲۵ هزار عکس با موضوع پناهندگان در سراسر دنیاست که وضع و شرایط پناهندگان در نقاط مختلف جهان طی ۶۰سال گذشته را به تصویر کشیده‌است (لینک این مجموعه <http://google/fX0UB>) می‌توانید از این مجموعه که به همت دفتر رسیده‌گی به امور پناهندگان سازمان ملل متحد فراهم آمده‌برای انجام فعالیت‌های کلاسی استفاده کنید. مثلاً تعدادی از تصاویر را برای نشان دادن به بچه‌ها انتخاب کنید و از آنها پرسید اگر می‌توانستند با شخصیت‌های هر کدام از عکس‌ها مصاحبه کنند چه پرسش‌هایی از آنها می‌پرسیدند؟ بر این مبنا می‌توانید یک گفت‌وگوی کلاسی را به‌پندارند تا از خلال آن دانش‌آموزان با موضوع مهاجرت اجباری و آنچه مردم سراسر دنیا در تحت‌تطرار از تهدید می‌کنند، آشنا شوند. علاوه بر این می‌توانید از این تصاویر برای نوشتن گزارش توسط دانش‌آموزان استفاده کنید یا از آنها بخواهید با استفاده از آمار و ارقامی که در زیر نویس هر کدام از تصاویر آمده، اینفوگرافی‌هایی طراحی کنند یا از آنها برای خلق یک اثر هنری الهام بگیرند.اگر در کلاسی درس می‌دهید که پناهنده یا پناهجویی در آن حاضر است، از دانش‌آموزان بخواهید آمار و اطلاعاتی درباره پناهندگان و پناهجویان در دنیا آماده کنند و به کلاس بیاورند و بعد گفت‌وگویی ترتیب دهید.درباره این که پناهنده شدن به یک کشور یا پناهجوی بودن چه احساسی دارد؟ یا که پناهنده بعنوان دانش‌آموز در مدرسه با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و از هم کلاسی‌ها و هم‌درسه‌های‌شان چه انتظاری دارید؟ دیگران معمولاً چه رفتاری با او دارند؟ و آخر این که برای ایجاد یک محیط آموزشی متنوع که فرهنگ‌های مختلف را به هم پیوند دهد، چه راه‌های دیگری می‌توانید به برنامه ۴ تا هفته‌ای ترتیب دهید تا دانش‌آموزان پناهنده ویژگی‌ها و آداب و رسوم کشور خود را با باقی دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند.مثلاً یک جلسه از کلاس را به آشنیزی گروهی اختصاصی دهید تا دانش‌آموزان با کمک هم و با راهنمایی دانش‌آموزی که بعنوان پناهنده در کلاس حاضر است، یک غذای ساده غذایی از کشور او آماده کنند.

## معرفی موسسه‌ای که پل ارتباط داوطلبان و سازمان‌های مبتنی بر جامعه است

# اتحاد داوطلبانه

**برگردان:راضیه زرگری** |سازمان‌های بین‌المللی بی‌شماری در جهان امروز در امور خیر و موسسات داوطلبی جهان اغلب کشورهای اروپایی یا آمریکاست اما ماموریت‌های این موسسات در سراسر جهان گسترده‌است به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که با مشکلاتی مثل جنگ و درگیری‌های قومی و مذهبی یا فقر و محرومیت دست‌به‌گریبان هستند. سازمان خیریه غیرانتفاعی «اتحاد داوطلبانه» یکی از این موسسات است که در سال ۲۰۰۷ میلادی در ایالت کالیفرنیا آمریکا تاس شد. اتحاد داوطلبانه، داوطلبان بین‌المللی را به‌طور مستقیم با سازمان‌های اجتماع‌محور هم‌استای امور داوطلبی و خیر در کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌کند. این گزارش چگونگی شکل‌گیری و اهداف اساسی این موسسه را روایت می‌کند و در بخش‌های آتی به ایجاد جزئی‌تر از فعالیت‌اتحاد داوطلبانه خواهیم پرداخت.

اتحاد داوطلبانه کارش را در سال ۲۰۰۷ آغاز کرد. شاید بهتر باشد بگوییم ما کارمان را با یک علامت ویرگول آغاز کردیم، چراکه همه ما واقعاً در سال ۲۰۰۷ فقط یک تجربه داوطلبانه و یک ایده داشتیم و با همین‌ها کارمان را شروع کردیم. اولین تجربه داوطلبانه ما نسبتاً معمولی بود. ما در یک مرکز مراقبت از کودکان در آفریقا از طریق یک سازمان استقرار داوطلبان داوطلب شدیم. تنها در صورتی که تاکنون تجربه‌ای داوطلبانه نداشته باشید، ممکن است اسم یک سازمان استقرار داوطلبی را شنیده باشید. این سازمان‌ها وظیفه مستقر کردن داوطلبان در براره مهاجرت یا ترک محل زندگی بگویند. از آنها بخواهید خود را به جای یک پناهنده بگذارند و تصور کنند که یک پناهنده در جامعه تازه چه ترس‌ها و امیدهایی دارد.این ۲ موضوع را به بچه‌ها بدهید: «زندگی در سایهٔ ترس» و «ایقتن سرنیامه و امنیت» و از بچه‌ها بخواهید درباره هر کدام یک نقاشی بکشند. باز نقاشی‌ها را روی تخته کلاس جیب‌بندید و درباره تفاوت‌های تصویری ۲ دسته گفت‌وگو کنید.از بچه‌ها بخواهید آنچه از احساس و دیدت ترسیم کرده‌اند، توضیح دهندوباره آن‌ها دیدگریسوال پرسند.

نویسنده مقاله برای گفت‌وگو با دانش‌آموزانی از مقاطع بالاتر سؤوال‌هایی را به آموزگاران معرفی می‌کند که پیچیده‌تر هستند. در بخشی از مقاله آمده: از بچه‌ها بخواهید به ۲ سؤال فکر کنید و بعد جواب‌های‌شان را با هم به اشتراک بگذارند. اول این که احساس ناامنی در خانه و شهر چه جور احساسی است؟ دوم این که اگر قرار باشد شهر و دیار خود را ترک کنید، چه چیزهایی را با خودتان می‌برید؟ یک گفت‌وگوی کلاسی درباره این ۲ سوال ترتیب دهید و در خلال آن اطلاعات مهم درباره موضوع را به بچه‌ها ارایه دهید. یان این که آنها را به پرسش‌هایی تا ۵ نفره تقسیم کنید و از آنها بخواهید دلایل مهاجرت پناهندگان را فهرست کنند. از آنها پرسید می‌توانند تفاوت‌ها و شباهت‌های «پناهندگی» در دنیای امروز را با گذشته پیدا کنند؟ یا به نظر این جامعه بین‌المللس در وقتا گذشته و فقر، جنگ‌های قومی و مذهبی و درگیری‌هایی که ریشه بحران آوارشدن گروهی از مردم دنیاست چه باید بکند؟ از این سوال‌هایاری خلق نوشته‌ها یا آثار هنری مرتبط با موضوع استفاده کنید.

جنگ‌های قومی و مذهبی و درگیری‌هایی که ریشه بحران آوارشدن گروهی از مردم دنیاست چه باید بکند؟ از این سوال‌هایاری خلق نوشته‌ها یا آثار هنری مرتبط با موضوع استفاده کنید.

یک منبع خوب برای انجام فعالیت‌های کلاسی مجموعه‌های تصویری حاوی بیش از ۲۵ هزار عکس با موضوع پناهندگان در سراسر دنیاست که وضع و شرایط پناهندگان در نقاط مختلف جهان طی ۶۰سال گذشته را به تصویر کشیده‌است (لینک این مجموعه <http://google/fX0UB>) می‌توانید از این مجموعه که به همت دفتر رسیده‌گی به امور پناهندگان سازمان ملل متحد فراهم آمده‌برای انجام فعالیت‌های کلاسی استفاده کنید. مثلاً تعدادی از تصاویر را برای نشان دادن به بچه‌ها انتخاب کنید و از آنها پرسید اگر می‌توانستند با شخصیت‌های هر کدام از عکس‌ها مصاحبه کنند چه پرسش‌هایی از آنها می‌پرسیدند؟ بر این مبنا می‌توانید یک گفت‌وگوی کلاسی را به‌پندارند تا از خلال آن دانش‌آموزان با موضوع مهاجرت اجباری و آنچه مردم سراسر دنیا در تحت‌تطرار از تهدید می‌کنند، آشنا شوند. علاوه بر این می‌توانید از این تصاویر برای نوشتن گزارش توسط دانش‌آموزان استفاده کنید یا از آنها بخواهید با استفاده از آمار و ارقامی که در زیر نویس هر کدام از تصاویر آمده، اینفوگرافی‌هایی طراحی کنند یا از آنها برای خلق یک اثر هنری الهام بگیرند.اگر در کلاسی درس می‌دهید که پناهنده یا پناهجویی در آن حاضر است، از دانش‌آموزان بخواهید آمار و اطلاعاتی درباره پناهندگان و پناهجویان در دنیا آماده کنند و به کلاس بیاورند و بعد گفت‌وگویی ترتیب دهید.درباره این که پناهنده شدن به یک کشور یا پناهجوی بودن چه احساسی دارد؟ یا که پناهنده بعنوان دانش‌آموز در مدرسه با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و از هم کلاسی‌ها و هم‌درسه‌های‌شان چه انتظاری دارید؟ دیگران معمولاً چه رفتاری با او دارند؟ و آخر این که برای ایجاد یک محیط آموزشی متنوع که فرهنگ‌های مختلف را به هم پیوند دهد، چه راه‌های دیگری می‌توانید به برنامه ۴ تا هفته‌ای ترتیب دهید تا دانش‌آموزان پناهنده ویژگی‌ها و آداب و رسوم کشور خود را با باقی دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند.مثلاً یک جلسه از کلاس را به آشنیزی گروهی اختصاصی دهید تا دانش‌آموزان با کمک هم و با راهنمایی دانش‌آموزی که بعنوان پناهنده در کلاس حاضر است، یک غذای ساده غذایی از کشور او آماده کنند.

## داوطلبان



با سازمان‌های مبتنی بر جامعه معادل داوطلب صرف‌جویی خواهد شد که به‌طور متوسط، ۲۵۰ دلار در هفته می‌شود. پس در اولین تجربه داوطلبانه‌ای که ما آغاز کردیم و برای ارتقای رزومه کاری خود تلاش می‌کنیم، حس عمیقی از مسئولیت داریم و یک چشم‌انداز برایمان باقی می‌ماند که دسترسی و شفای بیشتر به کارهای داوطلبانه بین‌المللی پیدا کنیم

ما بعنوان دانشجویان وارد شده در این عرصه بیش از مهارت و تجربه، جاهطلبی داشتیم. در واقع داوطلبانی با یک ایده مبهم و حجم کار زیاد در تلاش برای تغییر صنعت تأسیس شده بودیم. بهترین زمان برای شروع ما در سال اول کار موسسه صرف کردیم، به یادگیری این که چگونه با هم کار کنید، گذشت؛ تماس‌های طولانی بی‌اثر از طریق اسکایپ و جلسات ایده‌های طولانی که به‌طور کلی همه ما فقط در حال رشد و یادگیری بودیم. با این حال نمی‌توان این دوره را اتفاق و توفیق تلقی کرد؛ همه ما در حال آموختن و تجربه کسب‌کردن بودیم به‌طوری که در پایان سال نخست فعالیت در نهایت تصویر روشنی از آنچه ما می‌خواستیم انجام دهیم داشتیم. البته بدون هیچ ایده‌ای از این که چگونه باید به اهدافمان دست پیدا کنیم

اتحاد داوطلبانه یک بازار بساز داوطلب‌محور برای کشف، اتصال و داوطلب‌شدن افراد به‌طور مستقیم با سازمان‌های مردم‌آمی است. اولین وب‌سایت اتحاد

برچسب‌ها: **کریستین دوراند، مدیر ارتباطات و بازاریابی در شورای نهادهای غیرانتفاعی ایالت مینه‌سوتا**

چه از مردم بخواهید برای فرزندان‌شان کتاب بخوانند، چه کمربندشان را ببندند، زباله‌های طبیعی‌شان را در باغچه‌خاک کرده‌وتبدیل به کودکنند، سیگار کشیدن زارت‌ک کنند یا خیلی ساده، بخواهید پول با‌زمان‌شان را در اختیار شما بگذارند، در واقع از آنها خواسته‌اید رفتارشان را عوض کنند. چگونگی این اتفاق یکی از چالش‌های اصلی روابط عمومی در سازمان‌های مردم‌آمی است.

بازاریابی اجتماعی می‌تواند یکی از اثرگذارترین رویکردها برای ایجاد تغییر مثبت و سخت‌انگار رفتار اجتماعی باشد.اما فرآیند دشوار و مستعد است. حتی اگر تحقیق لازم را انجام داده‌و گمان می‌کنید فکر همه چیز را در این رابطه کرده‌اید، باز هم عامل‌های خارجی می‌توانند سر نوشت کمپین‌های بازاریابی اجتماعی را به‌شدت تغییردهند.

**یابند باجریمه‌شو**

کمپین «یابند یا جریمه شو» در سال ۱۹۹۶ از طرف شورای ایمنی ملی به راه افتاد. استفاده از اسلاد بزرگسال از کمربند ایمنی، از ۹۹ درصد در سال ۱۹۹۶ که کمپین آغاز به کار کرد، به ۱۹ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید و استفاده از صندلی ایمنی کودک هم از ۸۵درصد به ۹۹درصد در همین مدت زمانی افزایش یافت.این کمپین براساس الگوی برنامه ویژه اجرائی ترافیک (STEP) پایه‌گذاری شده‌است که طبق آن موج‌های اجرائی قوانین بستن کمربند ایمنی و استفاده از صندلی کودک را با تبلیغات برنامه‌های که بر اجرائی این قانون تأکید می‌کنند، راه می‌آمیز.

عوامل اجرائی قانون از جمله مهم‌های قضایی متعدد، دوره‌های متمرکز را طی سسال مشخص می‌کنند تا اجرائی شده‌ید قوانین کمربند ایمنی و قوانین امنیت صندلی کودک را در مقیاس ایالتی یا ناحیه‌ای به اجرا درآورد. آنها بررسی‌های مشاهده‌ای انجام می‌دهند تا میزان استفاده کمربند ایمنی و صندلی ایمنی کودک را پیش و پس از هر موجی اندازه بگیرند و تأثیرگذاری تلاش‌های‌شان را بسنجند.فعالیت‌های مربوط به اجرائی تشدید شده، از جمله ایست‌های بازرسی کمربند ایمنی که جلوی همه وسایل نقلیه را می‌گیرد ه‌گشت‌های اشباع که طی آن تعداد مضاعفی از افسرهای اجرائی در یک ناحیه متمرکز کار می‌کنند و گشت‌های ثابت یک مکان یا تقاطع خاص، یک پیام بصری در نام‌های فرستند.این کمبستین کمربند ایمنی پیامدارد.پوشش خبری نقش حیاتی در نمونه‌ای که در بالا آمده ایفا می‌کند. رسانه‌ها می‌توانند عکسی از ایست بازرسی روی صفحه هر تلویزیون و روزنامه‌ای بگذارند و از طریق رادیو اعلان‌های عمومی پخش کنند. آمار نشان می‌دهد که «امکان» جریمه‌شدن در خیریه‌ها در این حوزه نگران‌کننده است که باید بدانند جریمه‌شدن، تأثیرگذار باشد.

**جان خرچنگ‌ها نجات بدهید، بعد**

**بجور زیستن**

اژانس حفاظت محیط‌زیست ایالات متحده با هدف

برچسب‌ها: **کریستین دوراند، مدیر ارتباطات و بازاریابی در شورای نهادهای غیرانتفاعی ایالت مینه‌سوتا**

معرفی موسسه‌ای که پل ارتباط داوطلبان و سازمان‌های مبتنی بر جامعه است

# اتحاد داوطلبانه

سازمان‌های مدیریت داوطلبان کردند. در همان زمان بود که سواد کامپیوتر و اینترنت در سراسر جهان به سرعت در حال بهبود بود و یک پلتفرم آنلاین مانند اتحاد داوطلبانه در این شرایط قابل دوام می‌شد. ما این را خودمان در سفر دیدیم که هر سازمان جامعه‌محوری که در ارتباط با آن قرار می‌گرفتم یک صفحه فیس‌بوک داشت. این چشم‌انداز برای ما چندان طولانی نبود که ما بتوانیم به هزار پروفایل از سازمان‌های مبتنی بر جامعه برسیم و این اتفاق افتاد. داوطلبان و سازمان‌های مبتنی بر جامعه ارتباط خود را آغاز کردند. در ۳سال اول فعالیت اتحاد داوطلبانه، ما واژه مربی‌گری داوطلبان را در این راستا شنیدیم و درک کردیم به بیان عمیق‌تر اتحاد داوطلبانه ارتباط بین داوطلبان بین‌المللی و سازمان‌های اجتماع‌محور را تسهیل می‌کند. طی این سال‌هایی که ما فرآیند رشد و بالندگی را پشت‌سر می‌گذاشتیم، سختی‌هایی هم تجربه کردیم، از بازگزاری آهسته وبسایت تا بازدید بیش از حد بازدیدکنندگان و زمان پاسخ‌دهی اندک‌ا مواردی بود که طی سال‌های نخست پژوهشگران ما از آن رنج می‌بردند. با این حال تا امروز بزرگترین مسأله ما این بود که بعضی از داوطلبانی که با سازمان‌های جامعه‌محور ارتباط داشتند، اساساً داوطلب نبودند. بر داشت ما این بود که داوطلبان و سازمان‌های محلی به کمک‌نهایی برای مدیریت ارتباطات باجزئیات دقیق‌تر نیاز دارند تا از سوءاستفاده‌های اینچینی جلوگیری شود. دقیقاً مثل زمانی که کسی برای گذراندن تعطیلات هتلی رزرو می‌کند. این چشم‌انداز ما را به وب‌سایتی که شما امروز می‌بینید، رساند.اگر وب‌سایت قبلی به مربی‌گری سطحی برای داوطلبان بود، پس از این وب‌سایت، هدایت حرفه‌ای داوطلبان است. اتحاد داوطلبانه یک بانک اطلاعاتی جامع از فرصت‌های داوطلبان بین‌المللی ایجاد شده توسط خود سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات است که با بازنگری فیلتر نشده داوطلبان، مطابق با مهارت و نیازهای آنها و آرایه کم هزینه مهارت‌های داوطلبانه به‌طور مستقیم با تصمیم‌برگرفته‌های داوطلبان فعالیت می‌کنند. حتی پس از ۳سال احساس می‌کنیم که هنوز در ابتدای مسیر پیش می‌رفت، ما نیاز به یک رشد گاتیک و سازمان‌یافته خواهیم داشت. ۲ ماه بعد از آن ما به خانه برگشتیم. بدون هیچ‌گونه تلاش اضافی، ما تا به حال ۱۰۰نمابه (پروفایل) از سازمان‌های مبتنی بر جامعه در اختیار داریم که نتایج سفر ۶ماهه ۲۱برابر می‌کند. آنچه که ما مشاهده کردیم، بیش از کلمات دهان به دهان و بازتاب‌های شفاهی بود. سازمان‌های جامعه‌محور پتانسیل داوطلبان را درک کرده و شروع به یافتن راه‌هایی برای ارتباط با داوطلبان خارج از

داوطلبانه در سال ۲۰۱۱ راه‌اندازی شد. با بیش از ۱۳۰کیلوبایت جست‌وجو برای داوطلب خارجی در Google در هر سه‌ا، از حدود ۶مگابایت جست‌وجوی محتوای یکسان در هر سال، ما به سرعت به ۱۷۰هزار پروفایل داوطلب رسیدیم؛ با بیش از ۱۰۰سازمان‌های مردمی سخت‌تر بود. در سال ۲۰۱۱ ما اولین سفر سازمان جامعه‌محور کم‌کمرسانی را با سفر زمینی به جنوب و شرق آفریقا، آغاز کردیم و با سازمان‌های هم‌سوی محلی و ملی ملاقات‌هایی داشتیم و در نهایت آنها را به اتحاد داوطلبانه معرفی و به آنها برای ساخت و مدیریت نمایه‌های سازمان براساس جامعه‌خود کمک کردیم.

ما سفر خود را تنها با یک سازمان جامعه‌محور آغاز کردیم (که در آن برای اولین بار داوطلب شده بودیم) و به بیش از ۵۰سازمان رسیدیم. این پیشرفت احساس خوشایندی به ما می‌داد؛ با این که حجم کار به شدت افزایش یافته بود. ما می‌دانستیم که اگر کار به همین منوال پیش می‌رفت، ما نیاز به یک رشد گاتیک و سازمان‌یافته خواهیم داشت. ۲ ماه بعد از آن ما به خانه برگشتیم. بدون هیچ‌گونه تلاش اضافی، ما تا به حال ۱۰۰نمابه (پروفایل) از سازمان‌های مبتنی بر جامعه در اختیار داریم که نتایج سفر ۶ماهه ۲۱برابر می‌کند. آنچه که ما مشاهده کردیم، بیش از کلمات دهان به دهان و بازتاب‌های شفاهی بود. سازمان‌های جامعه‌محور پتانسیل داوطلبان را درک کرده و شروع به یافتن راه‌هایی برای ارتباط با داوطلبان خارج از

بخش‌شد. مردم تا مدت‌های طولانی پس از این که پیام‌های بازرگانی که کمپین برای‌شان هزینه کرده‌بود دیگر بخش نمی‌شد. در باره‌آن حرف می‌زدند. نتایج کمپین خیلی خوب بود. فعالیت‌های آزمایشی پیش و پس از آن، از جمله مطالعه امرای روی مخاطبان و یک گروه تحت مراقبت که با کمپین آشنایی نداشتند، صورت گرفت. کمپین نشان از سطح آگاهی بالایی نسبت به خود کمپین، بر نامه بی و خطرات استفاده از کود شیمیایی داشت. ۷۳درصد از مخاطبانی که مصاحبه شدند، مهارت‌های کلیدی مشخصی را به یاد داشتند- و تغییر رفتاری هم دیده می‌شد. در بررسی‌های پس از کمپین، از مخاطبان سئوالاتی درباره استفاده از کود شیمیایی پرسیده می‌شد. آمارها نشان از این داشتند که تمایل افرادی که با کمپین آشنایی داشتند به استفاد از کود شیمیایی

۵درصد کمتر از کسانی بود که در وقت اول استفاده داشتند. در برنامه در توسعه کمپین «جان خرچنگ‌ها را نجات بدهید، بعد بخوردیش‌شان» از اسلو‌های گذشته دوری کرد و به یاد سپرد که افراد داخلی برنامه مخاطب آنها نیستند. آنها احتیاج داشتند که پیام‌هایشان را طوری توسعه دهند که به میان مخاطب خوش‌بینیابی که علاقه‌ای به اثرات منفی خودشان ضرر برساند.

**جرات داشته باش: فقط بگو نه!**

در اواخر دهه ۱۹۸۰، اداره پلیس لس‌آنجلس برنامه DARE را برنامه آموزشی مقاومت علیه سوءاستفاده از مواد مخدر را طراحی کرد تا از طریق آموزش و آشناتر کردن جوان‌ها با خطرات مواد مخدر، از سوء مصرف مواد مخدر جلوگیری کند. کمپین «جرات داشته باش: فقط بگو نه» به‌عنوان یک تلاش چندجنبه‌با هم‌کاری مدارس، والدین، اجتماع و قانون‌گذاران، از افسران پلیس به عنوان راهنما، از افسران پلیس به کلاس‌های درس (معمولاً از کلاس پنجم، ششم به بالا) می‌روند تا بچه‌ها یاد دهند چگونه تصمیم‌گیری‌های درست‌بکنند. فعالیت‌های دیگر به جای استفاده از مواد مخدر آشنا شوند. جرات کن به‌عنوان الگویی از برنامه پیشگیری از مواد مخدر شناخته شد و به‌عنوان عملی نمادین در حمایت از مبارزه با مواد مخدر خیلی راحت می‌شد در این برنامه به‌کار بر عکس، مخالفت با این برنامه به معنای عدم یابندگی به پیشگیری از سوءاستفاده جدی از مواد مخدر بود. با فاصله پس از آن که لس‌آنجلس این برنامه آموزشی را نهادینه کرد، مدارس مختلف در

### توانمندسازی

### انقلاب اسکیت‌ها و آمادگی برای زندگی اجتماعی

در سال ۲۰۰۷ یک اسکیت‌باز استرالیایی به نام الیسور کوپر یک انقلاب را در افغانستان به راه انداخت: انقلاب اسکیت‌ها! او با اسکیت‌بازی در خیابان‌ها توجه بچه‌ها را به خود جلب کرد؛ بچه‌هایی که عمدتاً مدارس را ترک کرده و به کارهای خیابانی مشغول بودند. دیدن شرایط این کودکان و در عین حال اشتیاق و علاقه‌اشان به اسکیت‌بازی، الیسور را به فکر تأسیس «اسکیتستان» انداخت. «اسکیتستان» یک مرکز غیرانتفاعی است که امروز در ۳ کشور افغانستان، کامبوج و آفریقای شمالی فعالیت می‌کند.

این برنامه که کودکان و جوانان ۵ تا ۲۵ ساله را شامل می‌شود، قصد دارد با توجه به علاقه جوانان به اسکیت‌بازی، به این وسیله آنها را گرد هم آورد تا به توانبخشی آنها در حوزه تحصیل و زندگی اجتماعی بپردازد. مدارس «اسکیتستان» جایی برای آموزش دوباره کودکانی شده‌است که به دلیل شرایط سخت زندگی ترک تحصیل کرده‌اند و مجبور به کار در خیابان‌ها هستند. این کودکان در حالی که در این مرکز، آموزش اسکیت‌سواری می‌بینند، در طول چند نامه برای آزمون‌های بازگشت به مدارس و ادامه تحصیل آماده می‌شوند.

کودکان از هر سطح اجتماعی می‌توانند به این آموزش‌گاه‌ها برنامدا با توجه به هدف این مراکز، ۶۰ درصد شان آموزش را کودکانی از خانواده‌های کم‌درآمد تشکیل می‌دهند. ۵۰ درصد کودکانی که به «اسکیتستان» می‌روند، کودکان کار هستند. ۴۰ درصد دانش‌آموزان ایسن مراکز را نیز دختران تشکیل می‌دهند.

علاقه دختران به این مدرسه، به‌خصوص در کشور افغانستان بیشتر است. در حالی که زن‌ها در افغانستان اجازه دوچرخه‌سواری ندارند، ایده اسکیت‌بازی به آنها کمک می‌کند که به این فعالیت به‌عنوان نوعی تفریح و همین‌طور راهی برای پیشرفت، روی بیابورند. موفقیت «اسکیتستان» در افغانستان بسیار چشمگیر بود تا جایی که توانست اسکیت‌بازی را به اولین ورزش مورد علاقه دختران این کشور تبدیل کند. جسیکا دوسون، عکاس اهل لندن که تحت‌تأثیر تلاش دختران افغان و علاقه آنها به این ورزش قرار گرفته بود، در سال ۲۰۱۲ برای گرفتن عکس از دخترانی که همه با پوشش‌های محدود کننده اسکیت می‌کنند به کابل رفت. عکس‌های او نه‌تنها نشان از توانمندی دختران افغان دارد، بلکه نشان می‌دهد که چطور فعالیت به سادگی اسکیت‌بازی می‌تواند شادی را برای کودکان فقیر به ارمغان بیاورد. موسسان مدرسه «اسکیتستان» عقیده دارند وقتی بچه‌ها به اسکیت‌کردن دل می‌بندند، همه‌چیز راحت‌تر امکان‌پذیر است، حتی آموزش، کسب مهارت‌های اجتماعی و توانمندسازی کودک‌کان.



چطور از مردم بخواهیم رفتارشان را عوض کنند؟

## جرات داشته باش: فقط بگو نه!

بخش‌شد. مردم تا مدت‌های طولانی پس از این که پیام‌های بازرگانی که کمپین برای‌شان هزینه کرده‌بود دیگر بخش نمی‌شد. در باره‌آن حرف می‌زدند. نتایج کمپین خیلی خوب بود. فعالیت‌های آزمایشی پیش و پس از آن، از جمله مطالعه امرای روی مخاطبان و یک گروه تحت مراقبت که با کمپین آشنایی نداشتند، صورت گرفت. کمپین نشان از سطح آگاهی بالایی نسبت به خود کمپین، بر نامه بی و خطرات استفاده از کود شیمیایی داشت. ۷۳درصد از مخاطبانی که مصاحبه شدند، مهارت‌های کلیدی مشخصی را به یاد داشتند- و تغییر رفتاری هم دیده می‌شد. در بررسی‌های پس از کمپین، از مخاطبان سئوالاتی درباره استفاده از کود شیمیایی پرسیده می‌شد. آمارها نشان از این داشتند که تمایل افرادی که با کمپین آشنایی داشتند به استفاد از کود شیمیایی

۵درصد کمتر از کسانی بود که در وقت اول استفاده داشتند. در برنامه در توسعه کمپین «جان خرچنگ‌ها را نجات بدهید، بعد بخوردیش‌شان» از اسلو‌های گذشته دوری کرد و به یاد سپرد که افراد داخلی برنامه مخاطب آنها نیستند. آنها احتیاج داشتند که پیام‌هایشان را طوری توسعه دهند که به میان مخاطب خوش‌بینیابی که علاقه‌ای به اثرات منفی خودشان ضرر برساند.

### استفاده از تکنیک‌های بازاریابی اجتماعی برای تغییر رفتار می‌تواند پاداش‌های فوق‌العاده خود را داشته باش، پاداش‌های خیلی فراتر از دستاوردهای کمپین‌های بازاریابی سنتی

رومی محیط‌زیست نذرند تا زمانی که این اثرات به خودشان ضرر برساند.

**جرات داشته باش: فقط بگو نه!**

در اواخر دهه ۱۹۸۰، اداره پلیس لس‌آنجلس برنامه DARE را برنامه آموزشی مقاومت علیه سوءاستفاده از مواد مخدر را طراحی کرد تا از طریق آموزش و آشناتر کردن جوان‌ها با خطرات مواد مخدر، از سوء مصرف مواد مخدر جلوگیری کند. کمپین «جرات داشته باش: فقط بگو نه» به‌عنوان یک تلاش چندجنبه‌با هم‌کاری مدارس، والدین، اجتماع و قانون‌گذاران، از افسران پلیس به عنوان راهنما، از افسران پلیس به کلاس‌های درس (معمولاً از کلاس پنجم، ششم به بالا) می‌روند تا بچه‌ها یاد دهند چگونه تصمیم‌گیری‌های درست‌بکنند. فعالیت‌های دیگر به جای استفاده از مواد مخدر آشنا شوند. جرات کن به‌عنوان الگویی از برنامه پیشگیری از مواد مخدر شناخته شد و به‌عنوان عملی نمادین در حمایت از مبارزه با مواد مخدر خیلی راحت می‌شد در این برنامه به‌کار بر عکس، مخالفت با این برنامه به معنای عدم یابندگی به پیشگیری از سوءاستفاده جدی از مواد مخدر بود. با فاصله پس از آن که لس‌آنجلس این برنامه آموزشی را نهادینه کرد، مدارس مختلف در

<sup>[1]</sup> سازمان‌های مبتنی بر جامعه معادل داوطلب صرف‌جویی خواهد شد که به‌طور متوسط، ۲۵۰ دلار در هفته می‌شود

<sup>[2]</sup> ما آغاز کردیم و برای ارتقای رزومه کاری خود تلاش می‌کنیم، حس عمیقی از مسئولیت داریم و یک چشم‌انداز برایمان باقی می‌ماند که دسترسی و شفای بیشتر به کارهای داوطلبانه بین‌المللی پیدا کنیم

<sup>[3]</sup> ما بعنوان دانشجویان وارد شده در این عرصه بیش از مهارت و تجربه، جاهطلبی داشتیم

<sup>[4]</sup> در واقع داوطلبانی با یک ایده مبهم و حجم کار زیاد در تلاش برای تغییر صنعت تأسیس شده بودیم

<sup>[5]</sup> بهترین زمان برای شروع ما در سال اول کار موسسه صرف کردیم

<sup>[6]</sup> یادگیری این که چگونه با هم کار کنید، گذشت؛ تماس‌های طولانی بی‌اثر از طریق اسکایپ و جلسات ایده‌های طولانی که به‌طور کلی همه ما فقط در حال رشد و یادگیری بودیم

<sup>[7]</sup> اتفاق و توفیق تلقی کرد؛ همه ما در حال آموختن و تجربه کسب‌کردن بودیم به‌طوری که در پایان سال نخست فعالیت در نهایت تصویر روشنی از آنچه ما می‌خواستیم انجام دهیم داشتیم

<sup>[8]</sup> البته بدون هیچ ایده‌ای از این که چگونه باید به اهدافمان دست پیدا کنیم